

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ اگست ۲۰۲۳

"حیات خلوت" یا "کنام ازدها"؟؟

شنبه - ۰۴ سنبله ۱۴۰۲ - کابل: انگیزه نگارش یادداشت امروز دعوتیست که "امیر خان متقی" سرپرست وزارت خارجه "نظام ملاسالار" از "حسین امیر عبداللهیان" وزیر خارجه "رژیم ولایت فقیه" نموده تا جهت صحبت در مورد برخی از مشاغل و یافتن راه حلی برای آنها به کابل بیاید. اما نخست:

۱ - "حیات خلوت" همان سان که از ظاهر آن بر می آید یک افاده مرکب از دو غلط عربی می باشد. این ترکیب علی رغم آن در معنای لغوی به قسمتی از فضای خالی یک ساختمان جهت آفتابگیری عمارت گفته می شود که در فرهنگ روزمره، ما بدان "حویلی" می گوئیم، مگر در اصطلاح سیاسی به آن عده از کشورهای خرد و بزرگ و دور و نزدیک - عمدتاً خرد و نزدیک - یک کشور بزرگ، مقتدر و زورمند چه از لحاظ اقتصادی - سیاسی و چه از لحاظ نظامی گفته می شود که آن کشور بزرگ بر مبنای زورمندی نظامی - اقتصادی اش به خود حق می دهد آن کشور ها را دنباله رو و ادامه نفوذ سیاسی نظامی خود پنداشته، به نحوی در تمام امور آنها حق مداخله برای خود قایل باشد.

از نمونه های برجسته این طرز تفکر و یک و یا چند کشور و یا منطقه ای را "حیات خلوت" خود دانستن را می توان بر مبنای ستراتیژی مونرو، موقف امریکای لاتین شامل امریکای مرکزی و امریکای جنوبی و حتا کانادا نزد امپریالیسم امریکا؛ آسیای میانه و محل اسکان پراکنده نژاد سلوو نزد روسیه؛ تعدادی از کشورهای کوچک جنوب شرق آسیا و شرق دور نزد چین؛ کشورهای خلیج فارس اکنون نزد عربستان سعودی؛ کشورهای افریقائی به خصوص شمال افریقا و منطقه ساحل نزد فرانسه و ... نام برد.

۲ - هرگاه از گذشته های دوری که حاکمیت های مستقر در افغانستان کنونی، ساحه های وسیعی را در شمال، جنوب و غرب حاکمیت آنها به مثابه "حیات خلوت" شان نگریسته گاهی به نفع مردمان آن مناطق، مگر اکثراً به ضرر باشندگان بومی آن مناطق بدانجا ها لشکر می نمودند تا گویا از "حیات خلوت" شان دفاع و حراست نمایند، بگذریم؛ تا جائی که به تاریخ افغانستان معاصر بر می گردد، حداقل از ربع چهارم قرن ۱۹ الی ربع چهارم قرن بیستم، موقعیت افغانستان و جانبازی و فداکاری خلق افغانستان باعث شده بود که هیچ یک از کشورهای همسایه و قدرتهای استعماری دور و بر ما به خود این حق و اجازه را ندهند تا افغانستان را به مثابه "حیات خلوت" خود دانسته، به امر و نهی بپردازند. یعنی از همان مقطع تاریخی ربع چهارم قرن ۱۹ که سرحدات سیاسی افغانستان با کشورهای همسایه مشخص شد، نه روسیه تزاری و نه استعمار انگلیس - علی رغم آن که حاکمیت افغانستان مستمری بگیر و نوکر استعمار انگلیس ها بودند - و نه

هم خاندان قاجار به خود این اجازه را بدهند تا بر کشور ما امر و نهی نمایند. بلکه همه متفق القول افغانستان را به مثابه یک منطقه "حایل" به رسمیت می شناختند همین طرز دید به داوود خان امکان داده بود تا با صراحت مناسبات افغانستان با دو ابر قدرت زمان خودش را چنین مختصر بیان بدارد: "افغانها سیگرت امریکائی را با گوگرد روسی آتش می زنند"

۳- تا جایی که از مطالعه اوراق تاریخ بر می آید گویا برای بار نخست این برژینف بود که در آخرین سفر "داوود خان" به روسیه، پایش را از گلیمش بیشتر گذاشته خواست افغانستان را به مثابه "حیاط خلوت" شوروی آنروز معرفی دارد. حرکتی که با عث خشم "داوود خان" گردیده به تعقیب فاجعه خونین ثور صورت گرفت و از آن به بعد هریک از قدرتهای جهانی و منطقه ئی با استفاده از ضعف حاکمیت و خیانت حاکمان، به خود حق می دهند تا افغانستان را به مثابه "حیاط خلوت" خود دانسته تلاش بورزند تا مقدرات خلق کشور ما را خودشان مطابق میل شان تعیین بدارند.

۴- وقتی امروز به مسأله از این زاویه نگاه می نمایم دیده می شود که نه تنها امپریالیسم امریکا و روسیه بر مبنای سرمایه گذاری های میلیاردی شان که باعث کشته شدن بیش از ۲ میلیون از هموطنان ما و آوارگی بیش از ۴۰ درصد از باشندگان کشور گردید به خود حق می دهند تا افغانستان زخمی و خونچکان را به مثابه "حیاط خلوت" خودشان ببینند، بلکه کشور های همسایه از کشور های آسیای میانه گرفته تا چین و هند و به خصوص ایران و پاکستان، بر مبنای کمکهائی که طی ۲۰ سال اخیر به جنایتکاران طالبی نموده اند، حاکمیت طالب را امتداد حاکمیت خودشان دانسته، افغانستان را به مثابه "حیاط خلوت" خودشان به شمار بیاورند.

۵- از همین رو آنها با گستاخی تمام در تمام این مدت کوشش نموده اند تا با زیر فشار قرار دادن طالب، پندار خودشان را که افغانستان را "حیاط خلوت" شان معرفی می دارند بر طالب نیز بقبولانند.

موقعیتی که فعلاً نظام ملاسالار در آن قرار گرفته، شرایطی را باعث شده است تا طالب در بین یک گرداب فعال حوادث سیاسی قرار گرفته، با تمام کشور های دور و نزدیک مشکل پیدا نماید. مشخصاً وقتی می بینیم که نظام ملاسالار با تعدادی از انتحاری هایش که در به هم زدن ثبات داخلی یک کشور اهمیت دارند مگر در یک جنگ جبهه ئی عمر کلی آنها چیزی کمتر از ۲۴ ساعت است از یک جانب در بین چند قدرتی قرار گرفته که مسلح با سلاح اتوم اند و یا هم به مانند ایران قدرت راکتی و پهپادی اش در تمام آسیای رقیب است و از جانب دیگر اکثریت کشور های همسایه اش عضو "پیمان شانگهای" هستند و در یک قدمی آن با پیوستن ایران، امارات متحده عربی و عربستان سعودی، در کنار روسیه، هند و چین به پیمان بریکس که چهاراسپه روان است تا به مثابه یگانه رقیب ناتو و "جی۷" خود را تثبیت نماید، در چنین شرایطی نظام ملاسالار تلاش می ورزد تا از فضای به وجود آمده بیشترین منفعت سیاسی و اقتصادی را ببرد. در غیر آن "حیاط خلوت" را به "کنام اژدها" علیه آنها مبدل خواهد نمود.

۶- در همین نکته بیجا نخواهد افزوده شود که پیوستن سه کشور آسیائی از لحاظ عقیدتی و جغرافیائی قسماً نزدیک به افغانستان و نظام ملاسالار به بریکس، قیمت روابط طالب را با جهان غرب بالا برده امکان مناقصه بیشتر برای نرخ فروش شان را مساعد ساخته است. یعنی تا دیروز که امپریالیسم امریکا ماهوار ۱۶۰ میلیون دالر برای طالب مستمری می داد، احتمالاً که با گسترش بریکس، نظام ملاسالار نزد غرب به خصوص امپریالیسم امریکا اهمیت بیشتری یافته، بر مستمری طالب خواهند افزود.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!